

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: روابط خارجی حزب کار ایران(توفان)

۱۱/۰۲/۲۷

ریاکاری در دفاع از حقوق بشر

فاجعه آمیز شده است

در روز سه شنبه ۳۰ [قوس] آذر ۱۳۸۹ مطابق ۴ جنوری ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه محکومیت "نقض حقوق بشر در ایران" را به تصویب رسانید.

نقض حقوق بشر در ایران به قدری واضح است که رژیم جمهوری اسلامی برای لاپوشانی آن درمانده شده است. جنایات در زندانها، شکنجه ها، تجاوزات، تضییق حقوق مردم، فقدان امنیت فردی و اجتماعی اموری نیست که در ایران و جهان از دید کسی پنهان بماند. تا کنون رژیم جمهوری اسلامی مدعی بود که بریدن دست انسانها و یا تعزیر اسلامی ربطی به نقض حقوق بشر ندارد و یک امر فرهنگی سنتی اسلامی است و بیان درک متفاوت ممالک اسلامی از حقوق بشر با ممالک غربی است. در عرصه این توجیهات مسخره دولت ایران حمایت ممالکی نظیر عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، لیبی، پاکستان و نظایر آنها را که خود در ممالک خویش به چنین فجایی دست می زدند، به همراه داشت. ولی اکنون در ایران ما با فجایی روبرو می شویم که دیگر نمی شود آنها را حتی با قوانین اسلامی خود ساخته رژیم توجیه کرد. دستگیری افراد عادی و شکنجه آنها به خاطر زهر چشم گرفتن و یا تجاوز به دختران و حتی پسران معترض به نتایج انتخابات تقلبی و یا غیر معترض به علت اینکه در زمان نامناسب در جای نامناسب اتفاقا حضور داشته اند و فاجعه زندان کهریزک و سایر زندانهای ایران حتی مورد اعتراض بزرگان قوم نیز قرار گرفته و حتی شخص خامنه ای شرایط زندان کهریزک را غیر "استاندارد" خواند و وعده رسیدگی به جنایات وحشتناک آنها را به افکار عمومی داد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از جنبش دموکراتیک و توده ای ۲۲ خرداد روش بسیار خشنی در سرکوب مردم و برای ایجاد هراس در دل آنها در پیش گرفته است. به شماره اعدامها افزوده شده است. کشتن انسانها به راحتی خوردن یک لیوان آب بدل شده است. جان انسان کمترین ارزش را پیدا کرده است تو گوئی که می شود جان انسان را از سر کوچه خرید و امري قابل بازگشت و یا جایگزینی است. این روش وحشیانه از دید کسی پنهان نیست بی

جهت نیست که ما در قطعنامه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران با عباراتی نظیر: "شکنجه"، "مجازاتهای بیرحمانه"، "صدور احکام اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال" و به زبان دیگر کودکان و نو جوانان، "نابرابری فراگیر جنسیتی"، "شکنجه، رفتارها و مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز، نظیر شلاق و قطع عضو" روبرو هستیم. مجمع عمومی سازمان ملل در عین حال نگرانی عمیق خویش را از "محدودیت شدید آزادی فکر و آزادی مذهب در ایران" و "بازداشت های مستبدانه" ابراز داشت.

سپس قطعنامه به رأی گذارده شد و تازه عمق فاجعه روشن گردید. با این قطعنامه ۷۸ کشور موافقت کردند، ۴۵ کشور مخالفت نمودند و ۵۹ کشور نیز رأی ممتنع دادند. همین قطعنامه در ۲۸ [عقرب] آبان سال جاری در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۸۰ رأی موافق در برابر ۴۴ مخالف و ۵۷ ممتنع به تصویب رسیده بود.

یعنی ۱۰۴ کشور سازمان ملل یا مخالف و یا ممتنع بوده اند و تنها ۷۸ کشور این جنایات را محکوم کرده اند. یعنی اکثریت دول جهان به نوعی درجه بی اعتمادی خویش و بی توجهی خویش به حقوق بشر را به نمایش گذارده اند.

در میان موافقین اسامی ممالک اروپائی، امریکا و اسرائیل به چشم می خورد. اسامی ممالکی که خود در عراق و افغانستان و فلسطین به جنایت و نقض حقوق بشر مشغولند و این کار را سالهاست ادامه می دهند. عمر نقض حقوق بشر توسط این کشورها از عمر رژیم جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر است. این حقیقت نشان می دهد که همه این ۷۸ کشور نیز از جمله ممالکی نیستند که به حقوق انسانها ارزش می گذارند و انسانها برای آنها دارای ارزشی هستند.

وضعیتی تأسف آوری که به وجود آمده ناشی از آن است که حقوق بشر به مثابه یک اصل مورد احترام نیست این حقوق به ابزار سیاسی برای پیشبردن مقاصد سیاسی بدل شده است. اگر اسرائیل ۱/۵ ملیون فلسطینی را گرسنگی بدهد و با بمب فوسفری آنها را به قتل برساند نام آنها نقض حقوق ملل و نقض حقوق بشر نمی گذارند بلکه مدعی می شوند که با تروریسم مبارزه می کنند. اگر در ابوغریب و یا گوانتانامو هزاران نفر را بدون حمایت حقوقی و به روش ضد بشری سرکوب کنند آنها مبارزه با اسلام بنیادی که می خواهد شیوه زندگی امریکائی را به زیر پا بگذارد مطرح می کنند. تجاوز سرباز امریکائی به زنان عراقی نقض حقوق بشر نیست ولی تجاوز در زندان کهریزک بیکباره نقض حقوق بشر می شود. این روش ریاکارانه ممالک امپریالیستی که خود را در پس پرده حمایت از حقوق بشر پنهان کرده اند تا مقاصد سیاسی غارتگرانه خویش را به پیش برند وضعیتی را ایجاد کرده که بسیار ی از ممالک با رأی مخالف و یا ممتنع خویش در سازمان ملل از محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی پرهیز می کنند و نه تنها این امر از نظر حقوقی فاجعه آمیز است بلکه از نظر افکار عمومی نیز فاجعه آمیز است زیرا این آراء در عین حال بازتاب افکار عمومی نیز می باشد. مردم جهان می بینند که در مورد حمایت از حقوق بشر ریاکاری به کار می رود. می بینند که در این جهان قدرتی نیست که بتواند اسرائیل را به خاطر اشغالگری و جنایات بربرمنشانه اش محکوم کند و همین امر باعث می شود که نقض حقوق بشر در پرتو مصالح سیاسی مورد ارزش گذاری قرار گیرد. فریادهای اعتراضی به همین نسبت کم و زیاد می شود.

به این ترتیب مرزها به طوری مغشوش می شود که کسی نمی داند این مدافع حقوق بشر که به ضد رژیم جمهوری اسلامی به تظاهرات دست زده است یک ایرانی میهنپرست و انسان دوست است و یا یک جاسوس اسرائیل. کسی نمی فهمد که آن خانم و یا آقای ایرانی که امکان مصاحبه مطبوعاتی پیدا کرده و چهره اش را هر روز بر صحنه

تلویزیون می آورند برخاسته از فشار اپوزسیون مترقی ایران و اروپاست و یا دست پروده سازمانهای جاسوسی که از وجودش می خواهند به وقت معین استفاده کنند.

استدلال پاره ای از این آدمها این است که نقض حقوق بشر در جاهای دیگر به ما مربوط نیست ما تنها در مورد ایران نظر می دهیم و می خواهند بدین وسیله مانع فکر کردن و پرسشهای منطقی و جستجوگرانه شما شوند. نوع استدلال آنها بیشتر ارباب انگیز است تا روشنگرانه. آنها می خواهند شما را از میدان بردارند تا رژیم جمهوری اسلامی را. در اینجا ما با یک مبارزه ایدئولوژیک نیز روبرو می شویم.

می توان مدعی شد زندانی کردن اگر به اساس موازین به رسمیت شناخته شده جهانی باشد در همه ممالک دموکراتیک نیز وجود دارد ولی شکنجه و تجاوز در زندان در همه دنیا ممنوع است و به ایران، اسرائیل و عراق ربطی ندارد. کسی که بر شکنجه یک فلسطینی چشم می بندد نمی تواند مدعی شود مخالف اجرای شکنجه است. وی شکنجه را مصلحتی محکوم می کند و این همان دردی است که در جهان حاکم شده است. دفاع از حقوق بشر به یک امر مصلحت سیاسی به یک ابزار اعمال نفوذ بدل شده است. دیگر حقوق بشر امری تجزیه ناپذیر نیست بلکه می شود در هر زمان و در هر جا آنرا مطابق میل خود تغییر داد و تفسیر کرد. به همین جهت شما در عرصه بین المللی نمی بینید که به اتفاق آراء چنین قطعنامه هائی تصویب شود و یا یک اکثریت شکننده پشت این خواستهای انسانی قرار گیرد.

به همین جهت باید به تجزیه ناپذیری حقوق بشر تکیه کرد. جنایات رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد همانگونه که جنایات اسرائیل و امریکا را محکوم کرد. کسانی که از زیر بار این عمل ساده و این خواست منطقی در می روند صاف و ساده عامل اسرائیل و یا امریکا هستند. حال شما امتحان کنید و خواهید دید که این عده حاضر نیستند نقض حقوق بشر توسط اسرائیل را در نمایشات خیابانی محکوم کنند. آنوقت دست آنها رو خواهد شد.

پس هشیار باشیم که حزب ما باید مبارزه برای تحقق حقوق انسانها در ایران و افشاء جنایات رژیم جمهوری اسلامی را با اعتقاد بر اصل تجزیه ناپذیری حقوق بشر انجام دهد و در این راستا امپریالیسم و صهیونیسم را نیز افشاء کند. آنگاه است که مبارزه برای حمایت از حقوق بشر صمیمانه و نه ریاکارانه است.

بر گرفته از توفان شماره ۱۳۱ بهمن ماه ۱۳۸۹ فوریه ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org